

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: فریده ثابتی

۰۶ اگست ۲۰۱۱

اتحادیه، از توهم تا واقعیت

آیا اکنون تغییر اتحادیه از درون و دادن جهت انقلابی به آن امکان پذیر است؟

۲

المان

Claus Wessels در دایملر کرایسلر "برمن" کار می کند و از افراد گروه مؤسس "Kollegeninfo" است. این گروه در سال ۱۹۷۷ تشکیل شد و اعضای آن در شوراهای اپوزیسیون کارخانه ها فعال بودند.

س ۱: خلاصه ای از تاریخچه اتحادیه تان، ساختار و چگونگی رشد آن به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم ارائه دهید.

ج: در المان بعد از جنگ جهانی دوم اتحادیه های متحد تأسیس شد که مجموعه شان زیر سقف DGB قرار گرفتند. فقط اتحادیه مسیحی خارج از آن قرار داشت. در زمان جنگ سرد اتحادیه ها به عنوان تابلوی غرب عمل کردند و اصلاً به این فکر نیفتادند که سوسیالیسم می تواند به عنوان یک آلترناتیو در مقابل شیوه تولید سرمایه داری مطرح باشد. کارگران به خاطر رفاه نسبی و دستمزدهای افزایش یابنده در دوره بعد جنگ، در معجزه اقتصادی شرکت کردند و سبب تقویت سرمایه داری در المان غربی شدند. مسئله دخالت در تصمیم گیری ها که در المان تصویب شد اما در عمل غیر واقعی بود، موجب شد که همه اتحادیه های اروپا به ما رشک بردند! (۱)

در دهه ۵۰ اما یک مبارزه کاری طولانی موفق وجود داشت و آن مبارزه برای پرداخت دستمزد در زمان بیماری بود. موفقیت اتحادیه در زمینه بستن قرار داد تعرفه مزدی بود که سبب شد المان در اروپا به کشوری تبدیل شود که دارای کم ترین روزکارهای تلف شده در رابطه با اعتصاب باشد!

س ۲: چپ اتحادیه ای در سیر تکاملی اتحادیه های DGB چه نقشی بازی کرد؟

ج: گرچه آن ها به عنوان اتحادیه متحد درک می شوند اما همواره با چپ ها و کمونیست ها خط و مرز داشتند. در دهه ۵۰ اعلام کردند که ورود کمونیست ها به اتحادیه منع خواهد شد مگر این که تعهد نامه کتبی بدهند که از حزب کمونیست (KPD) فاصله بگیرند. این سیاست توسط رهبری اتحادیه حتی سال ها بعد از ممنوع شدن حزب کمونیست حفظ شد. بعد از سال ۱۹۶۸ که ممنوعیت آن حزب همچنان برقرار بود اما حزب کمونیست تازه تأسیس آلمان (DKP) که به آلمان شرقی و روسیه نزدیک بود اجازه فعالیت یافت، این سیاست فاصله گیری با اعضای این حزب جدید رعایت نمی شد اما علیه اعضای سازمان های "چپ های جدید" که وابسته به جنبش اپوزیسیون خارج از پارلمان بودند، رعایت می شد. هم چنین عضویت در سازمان ها و اتحادیه های مائونیستی و تروتسکیستی هم غیر قابل قبول برای اتحاد اعلام شد. برای افرادی که حتی فکر می شد که ممکن است به این جریانات نزدیک باشند توضیح نامه ای از قبل آماده شده بود که به آن ها ارائه می شد و آن ها می بایستی می نوشتند که به چنین سازمان هایی تعلق ندارند و تعهد می دادند که با آن ها ارتباط نخواهند گرفت و بعد آن ها را زیر نظر می گرفتند و اگر می فهمیدند که ارتباط گرفته اند اخراج شان می کردند و همزمان سبب بی اعتمادی همکاران شان در کارگاه نسبت به آن ها می شدند. به این طریق رهبری اتحادیه ها این تاثیر را می گذاشتند که این گروه ها را به عقب برانند.

با وجود سیاست منع رهبریت اتحادیه و شوراهای سوسیال دموکرات کارخانه، در این سال ها چپ ها تقریباً در همه کارگاه های بزرگ، گروه های چپ کارگاه را ایجاد کردند، از طریق انتشار یک روزنامه (اطلاعات همکاران) به کارگران اطلاعات می دادند و آگاه شان می کردند و در انتخابات شوراهای کارخانه بخشا توانستند موفقیت هایی کسب کنند. هم چنین اغلب کسانی که از عضویت محروم می شدند؛ این محرومیت توسط اتحادیه از طرف کارفرماها به عنوان نشانه خطر در نظر گرفته می شد و آن ها را اخراج می کردند. در بسیاری از مواقع شورای منتخب کارگران به این دلیل بی اعتبار اعلام می شد.

در پایان دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ اوضاع تغییر کرد و بسیاری ازین چپ ها دوباره بدرون اتحادیه ها راه یافتند که امروز به عنوان چپ اتحادیه ای کار می کنند.

س ۳: این پیشرفت را چگونه ارزش یابی می کنید؟

ج: فکر می کنم رفتن مجدد به درون اتحادیه درست بود. دلایل این پذیرش را می توان در این دید که جدائی بین گروه بندی ها کاهش یافته است، بخشاً چپ ها خود را تطابق داده بودند. درحالی که مقابله کردن با کارفرماها در کارگاه ها سخت تر شده بود و دیگر نمی شد با مشارکت در سود و بده بستان های سوسیال دموکراتیک کار را پیش برد. هم چنین نوسانات بالای اعضای اتحادیه عامل دیگر پذیرش مجدد چپ ها بود. این امر کاهش اعضاء را در هیچ کارگاهی متوقف نکرد اما آن را آهسته کرد.

یک اشتباه چپ ها در پذیرش مجدد این بود که خواست تعطیل روزنامه کارگاه خود را قبول کردند. همواره یک شرط رؤسای اتحادیه برای پذیرش اخراجی ها این بود. تا آن جا که من می دانم ما تنها کسانی بودیم که این شرط را نپذیرفتیم و بعدها پذیرفته شدیم – البته این امر دخلی به قدرت ویژه ندارد - و حالا ۲۶ سال است که روزنامه ما وجود دارد اما کیفیت آن بدتر شده است. بعد از پذیرش مجدد فکر می کردیم که ممنوعیت به گذشته

تعلق دارد – اما این طور نیست. ۱۸ همکار ما از گروه (متال آلترناتیو) در دایملر کرایسلر از اتحادیه متال اخراج شدند. در اشتوتگارت هم همین طور ۲ نفر از شورای کارگاه که با روزنامه کارگاه مربوط به چپ ها به اسم Klartext همکاری می کردند اخراج شدند. این اخراج ها بر مبنای ماده ۱۰ انتظامات اتحادیه متال صورت گرفته و بدون انجام هیچ بازبینی یک عضو شورای کارگاه دایملر کرایسلر به دلیل این که عضو حزب مائونیست (MLPD) بود، از اتحادیه متال اخراج شد.

س ۴: حال که تم بحث روی تهدید و فشار است به تجربه شما در المان تهدید از طرف پولیس، قانون، نیروهای امنیتی، حفاظت کار و گروه های فاشیستی تا چه حد مشکل ساز است؟

ج: در ۲-۳ سال قبل در شلسویک هولشتاین نازی ها سکرتر اداره محلی اتحادیه متال را به خاطر این که علیه حضور نازی ها در محل فعالیت می کرد، تهدید می کردند. گاهی هم اینطور پیش آمد که از جاسوسی بر مبنای شورای نگهبان قانون اساسی علیه شورای کارگاه، اتحادیه چپ ها و یا اتحادیه چپ استفاده می کنند که دیگر این افراد با این اتهام هیچ شانسی برای دستیابی به مناسبات کاری هم پیدا نمی کنند.

س ۵: وضعیت فعلی اتحادیه ها در المان چگونه است؟ چه مشکلات ساختاری دارند و به چه سمتی حرکت می کنند؟

ج: از نظر رشد تعداد اعضا، همه اتحادیه های زیر پوشش د. گ. ب. دارای بیلان منفی هستند. اتحادیه های کوچکتر هم دارای این وضعیت اند. با پیوستن (ÖTV) و (HBV) به اتحادیه خدمات وردی، اتحادیه متال به عنوان بزرگترین اتحادیه از جایگاه اول به دوم رفت. ادغام اتحادیه چوب و منسوجات در متال هم نتوانست کمکی بکند. بخشی از کاهش اعضا به بیکار شدن کارگران برمی گردد. بیکار شده ها انگیزه ای برای ماندن با اتحادیه ندارند. اما بیکاری و بیکار شدن تنها دلیل کاهش اعضا نیست. قابل دیدن است که در کارگاه های بزرگ صنعتی که همواره درجه بالای سازمان دهی وجود داشت، تعداد اعضا کاهش می یابد – درحالی که در کارگاه های کوچک و متوسط، بیش از همه وقتی که درگیری ها با کارفرمایان بالا می گیرد، تمایل ایجاد می شود.

دلیل از دست دادن اعضا می تواند به یک نارضایتی افزاینده نسبت به اتحادیه مربوط باشد، به خاطر این که در کارگاه های بزرگ به ندرت اتحادیه ها موفق می شوند مزدها و شرایط کار را به شکل قابل قبول حفظ کنند.

س ۶: وضعیت دستمزد و زمان کاری کارگران و کارمندان در المان چگونه است و چه امتیازاتی برای مقامات اتحادیه ای و کارمندان دفتری اتحادیه وجود دارد. آیا سرمایه دوستی آن ها به این امتیازات برمی گردد؟

ج: مزدهای واقعی الان در سطح دهه ۸۰ است. شرایط کار دائماً بدتر می شود در حالی که بارآوری کار به طور دائم و شدیداً بالا می رود که کار بدون پایان ذکر می شود. زمان کار قابلیت انعطاف عظیمی پیدا کرده است (شیفت های ۹ و ۱۰ ساعته) و ۱۷ و ۱۸ شیفت در هفته و ساعات کار سالانه.

اما دستمزدهای فعالان اصلی اداری اتحادیه ها: اعضای کشوری اتحادیه ها مثل اتحادیه متال، اتحادیه خدمات وردی و اعضای بالای د. گ. ب. به طور مثال ماهانه بین ۱۲ تا ۲۰ هزار یورو می گیرند که برابر با حقوق یک وزیر در المان است.

شورای کارگاه هم امتیازاتی دارند. طبق قانون، مزد آن ها نباید کمتر از یک کارگر قابل مقایسه، بدون این پست باشد. معمولاً به آن ها بعد از چند سال مزد سرکاری و یا استاد کاری پرداخت می شود. هم چنین اعضای کشوری اتحادیه یک اتومبیل اداری هم در اختیار دارند که در کارخانه های بزرگ اتومبیل سازی می تواند به ماهی ۵-۷ هزار یورو برسد. دیگر این که با این پست موقعیت شان عوض می شود. مورد سؤال قرار می گیرند، نظرشان در مسائل پرسیده می شود، با کارفرماها نشست و برخاست می کنند و به صورت شریک مدیریت در می آیند. در سطوح بالا حتی شریک رئیس دولت می شوند.

س ۷: با این اوصاف آیا در چند سال گذشته اتحادیه ها مبارزه اجتماعی مهمی را هم پیش برده اند؟

ج: در سال ۱۹۷۹ مبارزه کاری اتحادیه متال در صنایع فولاد برای ۳۵ ساعت کار هفتگی بود که بعد از ۶ هفته با دستیابی به ۶ هفته مرخصی سالانه پایان یافت. بعد از آن نیز اعتصاب های اختطاری چندی در کل صنایع متال و سپس در بخش ها انجام شد.

سال ۱۹۸۴ مبارزه اتحادیه متال برای ۳۵ ساعت کار هفتگی منجر به انعقاد قرارداد جدیدی شد. مقاومت اتحادیه تنها شامل چند اکسیون آن هم در روزهای تعطیل و زمان فراغت کارگران بود. یک تظاهرات در بن در زمان کار با این جهت دهی که کارگران باید در انتخابات به حزب درست رأی دهند! و منظورشان از حزب درست نیز، حزب سوسیال دموکرات بود که با این کارزار و به کمک آراء کارگران اس. پ. د. در سال ۱۹۹۸ به قدرت رسید اما به سرعت قول هایش را فراموش کرد.

هم چنین یک مبارزه دفاعی در سال ۱۹۹۶ برای جلوگیری از کاهش حقوق زمان بیماری از ۱۰۰ درصد به ۸۰٪ بود. چون اتحادیه بعد از تصویب قانون اقدام به اعتراض کرد، کارگران چندان به شرکت در آن تمایل نشان ندادند. رهبران اتحادیه در انظار عمومی مسائلی را مطرح کردند و پیشنهاداتی دادند که از آن چه که تصویب شده بود، بدتر بود. اما این کاهش ۲۰٪ موجب اعتراض کارگران شد. در برمن کارگران در شیفت های متفاوت بلافاصله با شروع شیفت دست از کار کشیدند و راهپیمائی های اعتراضی ترتیب دادند. کارگاه هایی که در آنها گروه های چپ وجود داشت، دائماً با اعتراض و تعطیل کار همراه بودند. آن ها کوشش کردند این اعتراضات را به سایر کارگاه ها و صنایع گسترش دهند اما بالائی های اتحادیه از آن هیچ حمایتی نکردند. شدت اعتراضات کارگران، کارفرماها را وادار به پذیرش پرداخت ۱۰۰ درصد کرد اما با اتحادیه وارد مذاکره شدند و در مقابل عیدی سالانه را ۵٪ کاهش دادند. ولی کاهش ۲۰٪ توسط بیمه ها هم چنان بدون تغییر باقی ماند.

س ۸: بعد از شکست مبارزه کارگران متال برای ۳۵ ساعت کار هفتگی در شرق، به طور عمومی از سقوط تاریخی اتحادیه متال صحبت می شود. دلیلش چه بود؟

ج: فکر می کنم تنها یک دلیل وجود ندارد. بعد از اتمام بی نتیجه اعتصاب از چندین اشتباه رؤسای اتحادیه متال در آماده سازی اعتصاب و مقدمات آن حرف می زنند؛ اول این که رؤسای اتحادیه خیلی دیر به این مسأله متوجه شدند که کارگران تعرفه قبلی اتحادیه را قبول ندارند و نمی خواهند اتحادیه آن را همچنان حفظ کند. آن ها در مراسم روز اتحادیه در سال قبل این مسأله را مطرح کرده بودند اما اتحادیه به آن اهمیتی نداد. بعد از شروع اعتصاب، اتحادیه می خواست با عجله بعد از یک هفته به آن خاتمه دهد. صنایع فولاد هم نمی خواستند مطالبات را بپذیرند. در رسانه ها هم کارزاری علیه اعتصاب در شرق راه افتاده بود که شدت آن تا کنون سابقه نداشت.

همزمان با شروع اعتصاب در یک روز شنبه اتحادیه ها به طور منطقه ئی بعد از این که طرح معروف به هارتس ۴ که وضعیت بیکاران را بسیار خراب تر از آن چه که بود کرد و نا امن سازی مناسبات کاری را برداشت، علیه (Agenda 2010) یا برنامه اقتصادی دولت تا سال ۲۰۱۰ اعلام گردهمایی کردند اما با استقبال روبرو نشد و اتحادیه ها نیز دیگر خود را از این مسأله کنار کشیدند و مقاومت را پایان یافته اعلام کردند(۲). و از آن نتیجه گرفتند که مبارزه کارگران در شرق هم بی حاصل است. به جای این که بگویند که ثروت های اجتماعی باید به شکلی دیگر تقسیم شود، زمان کار تقلیل یابد تا اشتغال جدید ایجاد شود و بیکاران را از خیابان بیرون بکشد و به طور خلاصه تقلیل ساعات کار در شرق پاسخی درست به Agenda 2010 است. به جای آن که همواره تلاش شود که عدالت برقرار شود که ساعات کار در شرق بالاخره همانند غرب شود – در کارگاه ها همبستگی عملی با کارگران شرق مورد مخالفت قرار گرفت و به این توضیح منجر شد که : " ما بالاخره در رابطه با شرق به این رسیدیم که آن ها خودشان باید به خودشان نگاه کنند و تعیین کنند که چه برای شان خوب است!"

زیرنویس: توضیحات زیر از من است نه از متن مصاحبه.(فریده)

(۱)- حق تصمیم گیری : در کنگره مونیخ اتحادیه های آلمان، در ۱۴/اکتبر ۱۹۴۹ اصول اصلی اتحادیه را با تأکید بر دو خواست اصلی برای خود مشخص کردند. این دو خواست عبارت بودند از برابری آراء کارگران در تصمیم گیری ها و مالکیت اجتماعی صنایع کلیدی، اما حتی برای این دو خواست نیز آماده مبارزه نبودند. برای اجرای برابری کارگران در حق تصمیم گیری باید شوراهای در صنعت، تجارت و کارگاه ها تشکیل شود. هم چنین شورای اقتصادی ایالات و شورای اقتصادی کشوری به شیوه شوراهای وایمار باید تشکیل گردد. نیروهای اشغالگر اما برای جلوگیری از قدرت گیری مجدد کنسرن های بزرگ آلمانی با طرح برابری حق تصمیم گیری کارگران برای بازسازی صنایع آهن و فولاد و سپس مواد سوختی حمایت کردند. یک هیأت تصمیم گیرنده مرکب از اتحادیه، نیروهای متحد و یک نفر به اصطلاح بی طرف تشکیل شد که همواره جانب کارفرماها را می گرفت و در نتیجه خواست کارفرماها با یک رأی بیشتر پیش می رفت. بعد از اعلام برنامه اتحادیه، دولت حق برابر تصمیم گیری را فقط در مسائل جزئی و در کارگاه هایی که اتحادیه نداشتند قابل اجراء دانست. در ۲۰ سپتمبر و قبل از تشکیل کنگره، اندانر برای آرام کردن اوضاع فرصت گفت و گو بین اتحادیه مرکزی کارگران و اتحادیه کارفرمایان را فراهم کرد اما کارفرماها در شرایط ضعف هم حاضر به پذیرش حق برابر تصمیم گیری کارگران در شوراهای نظارتی نشدند. شوراهای نظارتی شوراهائی بودند که می بایستی مدیریت کارگاه ها را انتخاب و کار آن ها را کنترل می کردند که اعضای آن نصف از کارگران و از کارفرمایان بود. سپس در ۳۱ اکتبر دولت محافظه کار قانون کارگاه ها را به مجلس برد که در آن طرح یک شورای مشورتی آمده بود که یک سوم اعضایش را کارگران تشکیل می دادند(که به سه جانبه گرایی معروف است). در سال ۱۹۵۲ دولت قانون شوراهای مشورتی را با یک سوم اعضای اتحادیه ئی به مجلس برد که با ۱۹۵ رأی موافق در مقابل ۱۳۹ رأی مخالف به تصویب رسید و به این طریق اتحادیه به ابزار کمکی دولت و کارفرما تبدیل شد. اتحادیه بعد از این قانون کلاً مبارزه برای برابری حق تصمیم گیری را از سیاست های خود کنار گذاشت. (به نقل از علیه کار مزدی شماره ۲، ۱۳۸۳)

(۲) - Agenda 2010 : طرحی بود که دولت ائتلافی سرخ - سبز مطرح کرد و مورد قبول احزاب مخالف قرار گرفت. حزب از آن استقبال و با آن همکاری کرد. این طرح خواهان اصلاحاتی در سیستم اجتماعی و در سیاست بازار کار و خانواده بود.

اهداف آن عبارت بودند از کاهش دستمزدها، کاهش بار اقتصادی دولت و کارفرماها، تغییرات در وظایف اجتماعی دولت از طریق کاهش زمان دریافت پول بیکاری به یک سال و سپرده بیکاران بعد از یک سال به مراکز کاریابی که در آن جا اغلب به انجام کارهای ساعتی یک یورو مجبور می شوند که این طرح به قانون Harz IV معروف است و بخش عمده کاهش در میزان بیکاری را که به عنوان موفقیت دولت مطرح می شود این پدیده ایجاد می کند و کار واقعی محسوب نمی شود. حذف خدمات آموزشی و آموزش شغلی برای بیکاران یا به حداقل رساندن آن ها. کاهش کمک های مالی به دانشجویان و حذف آموزش رایگان دانشگاهی. هم چنین کاهش خدمات دولتی برای " کمک سوسیال بگیران" یا استفاده کنندگان از خدمات اجتماعی است. بسیاری از امکانات دائمی به امکانات تنها یک بار تبدیل شده است و متعاقب آن در مجموع سبب گسترش فقر در جامعه گردیده است.

این طرح از آغاز با مخالفت جامعه روبرو شد و طرح اعتراضات جمعی برای آن ریخته شد. از جمله آن ها اعتراضات دوشنبه ها بود که چون سنت آن به آلمان شرقی می رسید از طرف رسانه های دست راستی به عنوان اعتراضات کمونیستی انگ خورد. اتحادیه ها در آغاز در اعتراضات شرکت کردند از جمله تظاهرات اعتراضی سوم اپریل ۲۰۰۴ را با شعار به پا خیزیم تا اوضاع بهتر شود سازمان دادند اما بعد از چند حرکت کوچک دیگر چون نمی خواستند در مقابل دولت سوسیال دموکرات که به طور سنتی همیشه همگامش بودند قرار بگیرند به طور رسمی خروج خود را از اعتراض علیه آنجا ۲۰۱۰ اعلام کردند که سبب سرخوردگی کارگران از اتحادیه شد. بسیاری از کارگران اتحادیه ها را ترک کردند و شمار اعضای اتحادیه ها به گونه ای دراماتیک پائین آمد.